

پیش‌بینی میزان عزت نفس، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین با همایندی خودمتمایزسازی آنان

داوود نوده ئی^۱، معصومه اسمعیلی^۲، کیومرث فرحبخش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی پیش‌بینی عزت نفس، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و خودمتمایزسازی آنان در بین دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان صورت گرفت. نمونه مورد نظر در این پژوهش تعداد ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر به همراه والدین آنها بود که از طریق انتخاب سه دبیرستان (شاهد، غیرانتفاعی و دولتی) و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از بین تمامی دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان انتخاب شدند. ابزارهای به کار رفته در این پژوهش شامل پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، پرسشنامه خودمتمایزسازی اسکورن و فراید لندر و پرسشنامه شرر و همکارانش و معدل نیمسال اول تحصیلی ۹۰-۸۹ دانش‌آموزان بود. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و نیز تحلیل رگرسیون گام به گام برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خودکارآمدی همبستگی معناداری در گروه نمونه پژوهش مشاهده نشده اما در مؤلفه‌های خودمتمایزسازی بین جایگاه من و آمیختگی با دیگران با معدل تحصیلی رابطه مستقیم و معنادار، بین گسلس عاطفی و عزت نفس رابطه معکوس و معنادار و بین جایگاه من و عزت نفس رابطه مستقیم و معنادار مشاهده شد و در نهایت بین خودکارآمدی فرزندان با خودمتمایزسازی نیز رابطه معناداری مشاهده نشد. در مورد همایندی شیوه‌های فرزندپروری و خودمتمایزسازی والدین نیز نتایج نشان می‌دهد که بین مؤلفه واکنش عاطفی و شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه معکوس و معنادار و بین مؤلفه جایگاه من و شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین بین مؤلفه جایگاه من

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) ایمیل: davud.nodehi@gmail.com

۲. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

و شیوه فرزندپروری مقتدرانه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و نیز بین مؤلفه آمیختگی با دیگران و شیوه فرزندپروری استبدادی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، خودتمایزسازی، عزت نفس، خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی.

مقدمه

امروزه بدون شک، توجه بیشتر به امر تعلیم و تربیت، مهمترین عامل پیشرفت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. تعلیم و تربیت، عهده‌دار ایجاد زمینه مناسبی جهت تسهیل و توسعه استعدادها و توانایی‌های افراد است. به این جهت است که بیشتر جوامع در تبیین هدف‌ها و اتخاذ روش‌های آموزشی همه تلاش خود را به کار می‌گیرند (شکرکن و همکاران، ۱۳۷۹). عوامل متعددی در افت تحصیلی و یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. یکی از نهادهای بسیار مهمی که در زمینه افت تحصیلی و یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد خانواده است. خانواده نقش قابل ملاحظه‌ای در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک دارد، شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند به سه دسته سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه تقسیم می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۳ به نقل از زارعی، ۱۳۸۹). در پژوهشی که بر روی ۴۱۰۰ نفر از نوجوانان ۱۸-۱۴ ساله توسط لمبورن^۱، مونتس^۲، استینبرگ^۳ و دورنباخ^۴ (۱۹۹۱) صورت گرفت نتایج نشان داد، نوجوانانی که در خانواده‌هایی با شیوه فرزندپروری مقتدرانه بودند، شایستگی‌های تحصیلی بالا و معناداری را نشان دادند. (به نقل از مهرافروز و همکاران، ۱۳۸۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش شیوه فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (مهرافروز، ۱۳۷۸؛ ملک مکان، ۱۳۷۸؛ کرد نوقابی، ۱۳۷۸).

1. Lamborn
2. Mounts
3. Steinberg
4. Dornbuch

موضوع مهم دیگری که در خانواده و تربیت فرزندان اهمیت فراوانی دارد مفهوم خودمتمایزسازی^۱ است. بوئن (۱۹۷۸) مفهوم تمایزیافتگی را به عنوان تجربه نزدیکی (صمیمیت) و اقتدار (خودمختاری) با دیگران ارائه کرد (بوئن و کر^۲، ۱۹۷۶؛ کر، ۱۹۸۸؛ به نقل از توربرگ^۳ و لی و رز^۴، ۲۰۰۶). این مفهوم بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات عاطفی در خانواده می‌باشد. تمایزیافتگی شامل نوع ظرفیت درون‌فردی برای متمایز کردن تفکر و احساس و نیز توانایی بین‌فردی برای حفظ استقلال درون‌بافت روابط عمیق با افراد مهم زندگی می‌باشد (بوئن، ۱۹۷۶). افراد با تمایزیافتگی بالا به هیجان‌ات خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند، این افراد توانایی رشد خود مستقل را در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند (اسکورن و دندی^۵، ۲۰۰۴ به نقل از محسنیان و همکاران، ۱۳۸۶). شوارتز و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی که بر روی ۲۵۴ نفر شامل ۱۲۹ نفر زن و ۱۲۴ نفر مرد صورت گرفت نشان داده شد که بین شیوه‌های گوناگون فرزندپروری والدین و خودمتمایزسازی آنان ارتباط معناداری وجود دارد. یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشگیری از افت تحصیلی و افزایش پیشرفت تحصیلی، عزت نفس است (بلوم^۶ - ترجمه سیف ۱۳۶۳؛ راس و برا^۷، ۲۰۰۲ به نقل از تمنایی فر و همکاران، ۱۳۸۹). عزت نفس رضایت فرد نسبت به خود و احساس ارزشمند بودن است (برانندن، ترجمه: قراچه‌داغی، ۱۳۷۹). در طول صد سال گذشته بسیاری از روانشناسان مانند آدلر^۸، آلپورت^۹، راجرز^{۱۰}، ۱۹۵۹، سالیوان^{۱۱}، ۱۹۵۳، کارن هورنای^{۱۲}، ۱۹۳۷، جیمز^{۱۳}، ۱۸۹۰، مزلو^۱، ۱۹۷۰، مورفی^۲، ۱۹۴۷،

1. Self- differentiation
2. Kerr
3. Thorberg
4. Lyvers
5. Skowron and Dendy
6. Bloom
7. Ross and Broh
8. Adler
9. Allport
10. Rogers
11. Sullivan
12. Horney
13. James

رانک^۳ ۱۹۵۹ این نظر را پذیرفته‌اند که انسان دارای نیاز به عزت نفس می‌باشد (بیابانگرد، ۱۳۷۱). یکی از جلوه‌های مهم عزت نفس، تأثیر مثبت و معنادار آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است (هالی^۴ ۱۹۸۷؛ کاوینتون^۵، ۱۹۸۹) یکی دیگر از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خود کارآمدی^۶ است. خود کارآمدی، انتظار فرد از قابلیت خود به منظور سازماندهی و اجرای رفتاری مورد نیاز برای انجام موفقیت‌آمیز یک وظیفه می‌باشد (اسچانک^۷، ۱۹۹۱ به نقل از عزیزی، ۱۳۸۴). مفهوم خود کارآمدی مرهون تلاش‌های اولیه آلبرت بندورا است. بندورا^۸ (۱۹۹۷) از نظریه پردازان دیدگاه شناختی-اجتماعی است که سازوکارهای تأثیرگذار بسیاری را بررسی کرده است - سازوکارهایی که نقشی بنیادین در انجام تکلیف دارند. وی در میان سازوکارهای تأثیرگذار، هیچ کدام را در کنترل کارکرد پرنفوذتر از خود کارآمدی و باورهای افراد از توانایی خود نمی‌داند (بندورا، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷) بر اساس نظریه شناختی-اجتماعی آلبرت بندورا (۱۹۹۷) و به استناد تحقیقات متعدد از جمله کارهای پاجارس و میلر^۹ (۱۹۹۴) و (۱۹۹۷)؛ پاجارس و گراهام^{۱۰} (۱۹۹۹)؛ گرین^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۴) و کبیری (۱۳۸۲) خود کارآمدی در حکم عاملی مهم، نقشی مؤثر در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی ایفا می‌کند (محسن پور و همکاران، ۱۳۸۶).

براساس آنچه بیان گردید عوامل مختلفی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و یکی از مهمترین عوامل، نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. آگاهی عمیق در مورد نقش مهم خانواده و شیوه‌های گوناگون فرزندپروری والدین و تأثیر آن در میزان عزت نفس و خود کارآمدی و نیز از

1. Maslow
2. Murfy
3. Rank
4. Holly, w.
5. Covinton, M.
6. Self- Efficacy
7. Schunk
8. Bandura
9. Miller
10. Graham
11. Greene

همه مهمتر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، می‌تواند نقش بسزایی در آگاه‌سازی والدین داشته باشد تا بتوانند با توجه به شیوه‌های فرزندپروری خویش درک صحیح و روشن‌بینانه‌ای از عملکرد فرزندان خویش داشته باشند و در آینده بتوانند با اتخاذ شیوه‌های صحیح‌تر و مناسب‌تر نقش اصیل خویش را در رشد و بالندگی فرزندان‌شان ایفا کنند. در راستای این امر در این پژوهش فرضیه اساسی زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- میزان عزت نفس، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس شیوه فرزندپروری والدین و همایندی خودمتمایزسازی آنان قابل پیش‌بینی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش بر اساس امکانات و شرایط موجود از بین مدارس شهر شهریار سه مدرسه انتخاب شد که یکی از مدارس دبیرستان شاهد، یکی دیگر دبیرستان غیرانتفاعی و یکی از مدارس هم دولتی بود. از هر مدرسه به روش تصادفی دانش‌آموزان و اولیای آنان از مقطع اول تا چهارم دبیرستان انتخاب شد. حجم نمونه ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و والدین آنان می‌باشد. جهت اجرای پژوهش پرسش‌نامه‌های عزت نفس و خودکارآمدی در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شد تا پاسخ دهند. همچنین با هماهنگی‌هایی که در این مدارس صورت گرفت اولیای دانش‌آموزان برای جلسه آموزش خانواده به مدرسه دعوت شدند و پس از توضیحات مورد نیاز از آنان درخواست شد که به پرسشنامه‌های خودمتمایزسازی و خودکارآمدی پاسخ دهند. از بین پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده حدود ۵۰ پرسشنامه به دلیل عدم پاسخ‌گویی و یا پاسخ‌های ناقص از سوی دانش‌آموزان و یا والدین آن‌ها مخدوش و غیر قابل بررسی بود. لذا ۱۵۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت. همچنین معدل تحصیلی دانش‌آموزان در نوبت اول نیز از مدارس مربوطه دریافت و در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از ۴ پرسشنامه استفاده شد:

- پرسشنامه خودمتمایزسازی: فرم اولیه این پرسشنامه توسط اسکورن و فراید لندر تهیه شده و آزمون نهایی توسط جسکون در ۴۶ آیتم بر مبنای نظریه باون ساخته شده است و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت تجدیدنظر شد. این پرسشنامه بصورت خودگزارش است و به منظور سنجش تمایزیافتگی افراد بکار می‌رود (تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (اسکورن، ۲۰۰۳؛ به نقل از اسکیان ۸۴). این پرسشنامه با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه‌بندی شده است. پرسشنامه مذکور از ۴ خرده‌مقیاس واکنش عاطفی (۱۱ سؤال = ER) گسلس عاطفی (۱۲ سؤال = EC) جایگاه من (۱۱ سؤال = IP) آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال = FO) تشکیل شده است. از نظر پایایی ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط اسکورن و فراید لندر ۰/۸۸ است. اسکیان (۱۳۸۴) پرسشنامه مذکور را روی ۲۶ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان اجرا کرد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شده است. یونسی در سال ۱۳۸۵ پرسشنامه مذکور را هنجاریابی کرد و ضریب پایایی را برای کل و خرده‌مقیاس‌ها به صورت زیر گزارش کرد: $ER=0/77$ ، $IP=0/60$ و $FO=0/65$ و $EC=0/70$ گزارش شده است. و روایی محتوایی آن را از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش کرد.

۲- پرسشنامه خودکارآمدی: مقیاس خودکارآمدی مورد استفاده در پژوهش حاضر توسط شرر و همکارانش (۱۹۸۲) با اهداف زیر ساخته شد: الف) تهیه ابزاری برای تحقیقات بعدی، ب) تهیه ابزاری جهت تعیین سطوح متفاوت خودکارآمدی افراد. این پرسشنامه میزان کارآمدی و قابلیت اعتماد به توانایی خود را می‌سنجد. دارای ۱۷ ماده است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ می‌باشد (شرر و همکاران، ۱۹۸۲ به نقل از حسین بیگی، ۱۳۸۸) ضریب پایایی این پرسشنامه در پژوهش بختیاری براتی (۱۳۷۶) ۰/۷۹، عبدی‌نیا (۱۳۷۷) ۰/۸۵ و در پژوهش اعرابیان و همکاران (۱۳۸۳) ۰/۹۱. به دست آمده است (به نقل از علی‌زاده محمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

۳- پرسشنامه عزت نفس: یک مقیاس ۵۸ ماده‌ای خود-گزارشی، مداد - کاغذی (که ۸ ماده آن دروغ‌سنج می‌باشد) و ۵۰ ماده دیگر آن عزت نفس فرد را می‌سنجند. مقیاس عزت نفس کوپراسمیت توسط رایجر^۱ (۱۹۶۷)، کمپل^۲ (۱۹۶۵)، اسمیت^۳ (۱۹۶۷) و وایف^۴ (۱۹۷۱) مورد تأیید قرار گرفته است، و در داخل کشور نیز توسط کروژده (۱۳۸۲)، صداقت‌پیشه (۱۳۸۴)، علامه (۱۳۸۴)، حقیقی و همکاران (۱۳۸۴) و با آلفای ۰/۰۵. تأیید شده است (به نقل از صاحب‌الزمانی، ۱۳۸۸).

۴- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به روش سهل‌گیر، ۱۰ ماده به روش استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به روش مقتدرانه در امر پرورش فرزند مربوط می‌باشد. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند. این پرسشنامه توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ بر اساس نظریه وی ساخته و در سال ۱۳۷۴ توسط اسفندیاری به فارسی ترجمه شد. میزان پایایی این آزمون در تحقیق اسفندیاری (۱۳۷۴) برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳. به دست آمد. بامریند (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی، ۰/۸۱. برای سهل‌گیرانه، ۰/۸۵. برای مستبدانه و ۰/۹۲. برای روش مقتدرانه گزارش نمود. هم‌چنین وی در مورد میزان روایی پرسشنامه این نتایج را گزارش نمود: مستبد بودن ما در رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲) دارد (به نقل از باقرپور کماچالی و همکاران، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو بخش آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود که در بخش توصیفی از فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و در بخش استنباطی از تحلیل رگرسیون گام به گام برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده می‌کنیم.

-
1. Ritcher
 2. Cample
 3. Smith
 4. Wife

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد پژوهش در گروه نمونه مورد بررسی

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد
معدل تحصیلی	۱۶/۲۰	۲/۶۵
عزت نفس	۳۳/۸۱	۴/۸
خودکارآمدی	۶۰/۳۷	۸/۳۲
سهل‌گیرانه	۱۶/۹۰	۴/۸۸
استبدادی	۱۷/۸۷	۶/۵۴
اقتدار	۳۰/۵۷	۶/۳۸
واکنش عاطفی	۴۰/۱۱	۱۰/۲۳
گسلش عاطفی	۴۲/۲۹	۷/۶۴
جایگاه من	۳۸/۷۹	۷/۷۶
آمیختگی با دیگران	۴۰/۷۳	۹/۰۵

نتایج حاصل از جدول شماره یک نشان می‌دهد که در ک نمونه مورد بررسی معدل تحصیلی در سطح متوسط قرار دارد، میزان عزت نفس و خودکارآمدی نیز در سطح خوبی است. بالاترین میانگین شیوه‌های فرزندپروری متعلق به شیوه اقتداری است و کمترین معدل خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه خودمتمایزسازی مربوط به جایگاه من و بالاترین آن مربوط به خرده‌مقیاس گسلش عاطفی می‌باشد.

نتایج حاصل از جدول زیر نشان می‌دهد که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خودکارآمدی همبستگی معناداری در گروه نمونه پژوهش مشاهده نشده اما در مؤلفه‌های خودمتمایزسازی بین جایگاه من و آمیختگی با دیگران با معدل تحصیلی رابطه مستقیم و معنادار، بین گسلش عاطفی و عزت نفس رابطه معکوس و معنادار و بین جایگاه من و عزت نفس رابطه مستقیم و معناداری مشاهده شد و در نهایت بین خودکارآمدی فرزندان با خودمتمایزسازی نیز رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی شیوه‌های فرزندپروری و خودمتمایزسازی والدین با معدل تحصیلی عزت نفس و خود کارآمدی فرزندان‌شان

مقیاس	معدل تحصیلی	عزت نفس	خود کارآمدی
مؤلفه‌های فرزندپروری	ضریب هم بستگی	۰/۱۱۷	۰/۱۵۹-
	سطح معناداری	۰/۱۲۰	۰/۰۵۷
مقتدرانه	ضریب هم بستگی	۰/۰۸۰	۰/۰۱۴-
	سطح معناداری	۰/۲۱۰	۰/۴۴
واکنش	ضریب همبستگی	۰/۰۹۲	۰/۰۹۸
	سطح معناداری	۰/۱۷۲	۰/۱۶۷
عاطفی	ضریب همبستگی	۰/۱۵۲	۰/۰۸۵
	سطح معناداری	۰/۰۶۲	۰/۲۰۱
گسلش	ضریب هم بستگی	۰/۰۰۹	۰/۱۷۳-
	سطح معناداری	۰/۴۶	۰/۱۷۹
جایگاه من	ضریب همبستگی	-۰/۱۸۹	۰/۱۵۵
	سطح معناداری	۰/۰۲۸	۰/۱۵۲
آمیختگی	ضریب هم بستگی	۰/۲۳۹	۰/۰۱۷-
	سطح معناداری	۰/۰۰۸	۰/۲۶۲
با دیگران	ضریب همبستگی	۰/۰۰۸	۰/۴۱۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۸	۰/۴۱۴

جدول ۳. همبندی شیوه‌های فرزندپروری و خودمتمایزسازی والدین

مقیاس	مستبدانه	مقتدرانه	سهل گیرانه
واکنش عاطفی	ضریب همبستگی	-۰/۱۸۸	-۰/۰۰۳
	سطح معناداری	۰/۰۲۹	۰/۴۸۷
گسلش عاطفی	ضریب همبستگی	۰/۰۳۲	-۰/۱۲۲
	سطح معناداری	۰/۳۷۳	۰/۳۱۳
جایگاه من	ضریب همبستگی	۰/۲۰۴	۰/۳۱۴
	سطح معناداری	۰/۰۲۰	۰/۲۹۰
آمیختگی با دیگران	ضریب همبستگی	۰/۲۹۶	-۰/۰۴۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۳۳۰

در مورد همبندی شیوه‌های فرزندپروری و خودمتمایزسازی والدین نتایج حاصل از جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بین مؤلفه واکنش عاطفی و شیوه فرزندپروری مستبدانه

رابطه معکوس و معنادار و بین مؤلفه جایگاه من و شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

همچنین بین مؤلفه جایگاه من و شیوه فرزندپروری مقتدرانه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و نیز بین مؤلفه آمیختگی با دیگران و شیوه فرزندپروری استبدادی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین معدل تحصیلی با عزت نفس و خودکارآمدی

مقیاس	خودکارآمدی	عزت نفس
ضریب همبستگی	۰/۱۸۰	۰/۲۱۸
سطح معناداری	۰/۰۲۷	۰/۰۴۴

بر اساس جدول شماره ۴ این نتیجه به دست می آید که بین عزت نفس و خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۵. خلاصه اطلاعات تحلیل رگرسیون قدم به قدم آمیختگی با دیگران با پیشرفت تحصیلی

منبع تغییر	مجمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آزمون	سطح معناداری	R	۲R
رگرسیون	۴۱/۰۷۱	۱	۴۱/۰۷۱	۶/۱۰۹	۰/۰۱۵	۰/۲۴	۰/۰۵۷
باقیمانده	۷۲۰/۰۱۶	۱۰۱	۶/۷۲				
کل	۷۲۰/۰۸۸	۱۰۲					

نتایج حاصل از جدول شماره ۵ بر اساس تحلیل رگرسیون به شیوه قدم به قدم نشان می دهد مقدار حاصل از تحلیل رگرسیون در سطح ۹۵ در صد معنادار بوده است مقدار R2 نشان می دهد که ۵/۷ در صد از واریانس پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط یک ترکیب خطی حاصل از آمیختگی با دیگران در خود متمایزسازی والدین قابل پیش بینی است. در جدول بعدی معناداری ضریب رگرسیون متغیر فوق مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۶. خلاصه اطلاعات آزمون t برای بررسی معناداری ضریب رگرسیون

شاخص	B	خطای استاندارد	BETA	Tآزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۵/۱۳	۱/۱۸		۱۱/۲۸	۰,۰۰۰
آمیختگی با دیگران	۰/۰۷۰	۰/۰۲۸	۰/۲۳	۲/۴۷	۰,۰۱۵

نتایج حاصل از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون آمیختگی با دیگران در خودتمایزسازی والدین در سطح ۹۵ درصد معنادار است و می‌توان معادله خط رگرسیون پیشرفت تحصیلی بر اساس خودتمایزسازی را به شکل زیر نوشت. مقدار ضریب رگرسیون جایگاه من، معنادار به دست نیامد.

$$Y = ۱۳/۳۵ + (۰/۰۷۰) X ۱$$

جدول ۷. خلاصه اطلاعات تحلیل رگرسیون گسلس عاطفی در مقیاس خودتمایزسازی با عزت نفس

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آزمون	سطح معناداری	R	R2
رگرسیون	۱۱۶,۸۴	۱	۱۱۶/۸۴	۵/۱۱	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۰۳
باقیمانده	۳۷۹۸/۱۱	۱۶۶	۲۲/۸۸				
کل	۳۹۱۵/۰۲	۱۶۷					

نتایج حاصل از جدول شماره ۷ بر اساس تحلیل رگرسیون به شیوه قدم به قدم نشان می‌دهد مقدار حاصل از تحلیل رگرسیون در سطح ۹۵ درصد معنادار بدست آمده است، مقدار R2 نشان می‌دهد که ۳ درصد از واریانس نمره عزت نفس فرزندان توسط یک ترکیب خطی حاصل از گسلس عاطفی در مقیاس خودتمایزسازی والدین قابل پیش‌بینی است. در جدول بعدی معناداری مقدار ضریب رگرسیون متغیر فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۸. خلاصه اطلاعات آزمون Z برای بررسی معناداری ضرایب رگرسیون

شاخص	B	خطای استاندارد	BETA	Tآزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	۸۳/۳۸	۲/۲۵		۱۷/۲۴	۰,۰۰۰
گسلس عاطفی	-۰/۱۱۷	۰/۰۵۲	-۰/۱۷۳	۲/۲۶	۰/۰۲۵

نتایج حاصل از جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون گسلش عاطفی در خودتمایزسازی والدین در سطح ۹۵ درصد معنادار است و می‌توان معادله خط رگرسیون عزت نفس بر اساس گسلش عاطفی را به شکل زیر نوشت، مقدار ضریب رگرسیون جایگاه من معنادار بدست نیامد؛ بنابراین وارد تحلیل نشده است.

$$Y = 38/83 - (0/117) X 1$$

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اساسی خودتمایزسازی که عبارتند از گسلش عاطفی، واکنش عاطفی، جایگاه من و آمیختگی با دیگران از عوامل اثرگذار بر زندگی فرزندان است زیرا هم بر شیوه‌های فرزند پروری والدین (مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه) و هم بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. از سوی دیگر، خودکارآمدی و عزت نفس از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است و چون مؤلفه‌های خودتمایزسازی بر میزان عزت نفس دانش‌آموزان اثرگذار است لذا مؤلفه‌های خودتمایزسازی هم به صورت مستقیم و هم از جهت اثرگذاری بر میزان عزت نفس به صورت غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. بنابراین توجه به مؤلفه‌های خودتمایزسازی در والدین از اهمیت فراوان و کلیدی برخوردار است. از بین مؤلفه‌های خودتمایزسازی نیز جایگاه من از اهمیت فراوانی برخوردار است بخاطر این که با عزت نفس، پیشرفت تحصیلی و شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه در ارتباط است.

یافته‌های پژوهشی به دست آمده با پژوهشی که پاچارز و شانک^۱ (۲۰۰۲) در زمینه رابطه بین خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که باورهای خود کارآمدی به صورت مثبتی با پیشرفت تحصیلی همبسته است، همخوانی دارد.

1. Pajares, F. & Shunk, D. H.

از دیگر تحقیقاتی که با نتایج پژوهش فوق همخوان است، تحقیقات پاجارس و میلر^۱ (۱۹۹۴ و ۱۹۹۷)؛ پاجارس و گراهام^۲ (۱۹۹۹)؛ گرین^۳ و همکاران (۲۰۰۴) و کبیری (۱۳۸۲) است که نشان داده است خودکارآمدی در حکم عاملی مهم، نقشی مؤثر در پیشرفت تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی ایفا می‌کند (محسن‌پور و همکاران، ۱۳۸۶).

تحقیقات گیست و همکاران (۱۹۹۱) نیز ارتباط معناداری را میان خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی نشان داد (به نقل از تگریان، ۱۳۸۷) که با پژوهش فوق همخوانی دارد. هالی (۱۹۸۷) چکیده‌ای از تمام پژوهش‌ها را ارزیابی نمود و اظهار داشت که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی تأثیر متقابل وجود دارد. کاویتون (۱۹۸۹) اظهار داشت هر چقدر سطح عزت نفس در دانش‌آموزان افزایش پیدا کند نمرات درسی آن‌ها بیشتر خواهد شد. افزون بر این، مهمترین نتیجه‌گیری او این بود که می‌توان با آموزش عزت نفس به دانش‌آموزان پیشرفت تحصیلی آن‌ها را افزایش داد. در مطالعه‌ای که به منظور بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی روی ۶۴ دانشجو صورت گرفت مشخص گردید که عزت نفس و پیشرفت تحصیلی با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند (راس و برا، ۲۰۰۲ به نقل از تمنایی فر و همکاران، ۱۳۸۹). جانسون^۴ (۱۹۷۷) نشان داد که نوجوانان بزهکار نه تنها عزت نفس پایینی دارند بلکه مهارت‌های خواندن و پیشرفت تحصیلی شان نیز به طور معناداری از دیگران کمتر است. همه پژوهش‌های بالا نشان می‌دهد که بین خودکارآمدی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد لذا با نتایج پژوهش مذکور همخوانی دارد.

از پژوهش‌های دیگری که بین متغیرهای آن ارتباط معناداری وجود داشته ولی در پژوهش حاضر چنین رابطه‌ای مشاهده نشد می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: بین رفتار مقتدرانه و عزت نفس دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نیز بین رفتار مستبدانه والدین و عزت نفس دانش‌آموزان رابطه منفی و معناداری وجود دارد (آقاملکی، ۱۳۷۶). همچنین در پژوهش‌های دیگری بین نگرش شیوه فرزندپروری مقتدرانه

1. Miller
2. Graham
3. Greene
4. Johnson ,P.S .

با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (مهرفروز، ۱۳۷۸؛ ملک ملکان، ۱۳۷۸؛ ویسی، ۱۳۸۳).

در پژوهش حاضر ارتباط معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه) و عزت نفس، و شیوه‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی مشاهده نشد. یکی از عللی که می‌توان برای آن ذکر کرد اینست که چون اکثریت دانش‌آموزان از مدارس خاص (شاهد و غیرانتفاعی) هستند، و با شرایط خاصی از دانش‌آموزان ثبت نام می‌کنند لذا ممکن است همین عامل موجب بهتر جلوه دادن عزت نفس از سوی دانش‌آموزان و یا موجب بهتر جلوه دادن شیوه فرزندپروری از طرف والدین شود. لذا برای بررسی این موضوع به دلیل در دسترس نبودن همه آزمودنی‌ها برای نمونه ۱۰۰ پرسشنامه فرزندپروری را در اختیار ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان قرار دادیم تا مشخص شود که والدین صادقانه به پرسشنامه فرزندپروری پاسخ داده‌اند یا نه؟ در نتایجی که مطابق جدول به دست آمد مشخص شد که علیرغم اینکه بیشتر اولیا تلاش کرده بودند تا شیوه فرزندپروری خود را مقتدرانه جلوه دهند شیوه فرزندپروری گروهی از آنان مستبدانه بوده است به همین دلیل رابطه معکوس و معناداری بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با پیشرفت تحصیلی به دست آمد:

جدول ۹. ضرایب همبستگی شیوه فرزندپروری با معدل تحصیلی، عزت نفس و خودکارآمدی

شیوه‌های فرزندپروری	معدل تحصیلی	عزت نفس	خودکارآمدی
سهل‌گیرانه	۰/۰۰۴	-۰/۱۶۹	-۰/۱۱۲
سطح معناداری	۰/۹۶۱	۰/۰۹۳	۰/۲۶
مستبدانه	-۰/۲۳۳	۰/۰۰۳	۰/۰۶۹
سطح معناداری	۰/۰۲۰	۰/۹۷۹	۰/۴۹
مقتدرانه	۰/۰۱۶	۰/۱۰۷	۰/۷۵
سطح معناداری	۰/۸۷	۰/۲۹۱	۰/۴۵۹

از دیگر پژوهش‌هایی که با پژوهش حاضر همخوان است، پژوهش شوارتز و همکاران (۲۰۰۶) است که نشان می‌دهد بین شیوه‌های گوناگون فرزندپروری والدین و

خودمتمایزسازی آنان ارتباط معناداری وجود دارد. در پژوهش حاضر بین واکنش عاطفی و شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در تبیین آن می‌توان چنین گفت که والدینی که به صورت عاطفی واکنش نشان می‌دهند و نمی‌توانند در مقابل عواطف دیگران خود را کنترل کنند لذا برایشان سخت است که از شیوه‌های استبدادی که مستلزم بی‌توجهی به احساسات و عواطف دیگران است استفاده کنند.

از دیگر نتایج به دست آمده آن است که بین جایگاه من با شیوه مستبدانه و نیز بین جایگاه من با شیوه مقتدرانه رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و ضریب همبستگی میان جایگاه من با شیوه مقتدرانه بیشتر از ضریب همبستگی میان جایگاه من و شیوه مستبدانه است. این نتیجه نیز به نظر منطقی می‌رسد به این دلیل که هم در شیوه مستبدانه و هم در شیوه مقتدرانه بر اساس جایگاه من عمل می‌کنند. در واقع افراد درک روشنی از مواضع شخصی خود دارند، و قادرند تا به افکار و احساسات‌شان، خارج از نیازشان به پیروی از انتظارات دیگران توجه کنند (پاپکو، ۲۰۰۴). اما تفاوتی که وجود دارد آن است که در شیوه مستبدانه توجه کمتری به احساسات و عواطف فرزندان می‌شود و وجه کنترل‌گری غالب‌تر است ولیکن در شیوه مقتدرانه توجه بیشتری به عواطف و احساسات فرزندان می‌شود و کنترل‌گری و محبت در حد اعتدال وجود دارد. از آنجایی که جایگاه من نیز مفهومی مثبت تلقی می‌گردد در عین توجه به دیگران، توجه به افکار، مواضع و تصمیمات خود را مطرح می‌کند بنابراین ضریب همبستگی شیوه فرزندپروری مقتدرانه با جایگاه من قوی‌تر است.

از دیگر نتایج به دست آمده این است که بین مؤلفه آمیختگی با دیگران و شیوه مستبدانه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که چون در آمیختگی با دیگران افراد به لحاظ عاطفی به دیگران وابسته هستند لذا نمی‌توانند از شیوه‌های استبدادی که در آن به عواطف دیگران توجه چندانی نمی‌شود استفاده کنند. درست است که آمیختگی با دیگران در دیدگاه بوون امری مثبت تلقی نمی‌شود (به دلیل عدم توجه به افکار و احساسات و مواضع خود) ولیکن به لحاظ اینکه می‌تواند مانع عدم

توجه به احساسات و عواطف دیگران گردد امری مثبت تلقی می‌شود که با شیوه مستبدانه رابطه معکوس و معنادار دارد.

از دیگر نتایجی که در تحلیل رگرسیون گام به گام به دست آمد نتایج حاصل از جدول ۴-۷ است که بر اساس تحلیل رگرسیون به شیوه قدم به قدم نشان می‌دهد مقدار حاصل از تحلیل رگرسیون در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است و مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۵/۷ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط یک ترکیب خطی حاصل از آمیختگی با دیگران در خودمتمایزسازی والدین قابل پیش‌بینی است. در پژوهشی که الیزابت^۱ و همکاران (۲۰۰۴) انجام داده‌اند مشخص شده است که بین خودمتمایزسازی و پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در پژوهش حاضر رابطه معناداری بین خودمتمایزسازی و پیشرفت تحصیلی دیده نشد ولی بین مؤلفه‌های آمیختگی با دیگران و جایگاه من با پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم و معناداری مشاهده گردید. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان چنین گفت که والدینی که درای جایگاه من قوی‌تری هستند بیشتر از شیوه مقتدرانه استفاده می‌کنند لذا موجب می‌شوند که فرزندان‌شان در محیط سالم‌تری به لحاظ روانی رشد کنند و لذا در امور تحصیلی نیز بهتر عمل کرده و نتیجه مساعدتری را به دست آورند.

در تبیین این موضوع که چرا آمیختگی با دیگران با وجود بار منفی در دیدگاه‌های بوون موجب پیشرفت تحصیلی می‌شود شاید به این دلیل است که والدینی که آمیختگی با فرزندان‌شان دارند به دلیل وابستگی عاطفی و توجهات زیادی که به فرزندان‌شان دارند باعث می‌شوند که آنان موفقیت‌های بیشتری به دست آورند. البته پیشرفت تحصیلی اگرچه خود امری مطلوب است اما نمی‌تواند این نتیجه را بدهد که آمیختگی با دیگران در والدین لزوماً امری مثبت است چرا که ممکن است موجب وابستگی فرزندان و یا آسیب‌های روانی دیگر گردد.

1. Elizabet, A.S

از دیگر نتایجی که در این پژوهش به دست آمد نتایج حاصل از جدول ۹-۴ است که بر اساس تحلیل رگرسیون به شیوه قدم به قدم نشان می‌دهد مقدار حاصل از تحلیل رگرسیون در سطح ۹۵ درصد معنادار بدست آمده است، مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۳ درصد از واریانس نمره عزت نفس فرزندان توسط یک ترکیب خطی حاصل از گسلش عاطفی در مقیاس خودمتمایزسازی والدین قابل پیش‌بینی است.

از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است پژوهشی است که توسط لوینگر و رونن^۱ (۲۰۱۰) صورت گرفته نشان داده شده است که بین خودمتمایزسازی و عزت نفس رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. توجه به مفهوم خودمتمایزسازی می‌تواند چنین نتیجه‌ای را تبیین کند. تمایز یافتگی^۲ از نظر باون، توانایی فرد برای جدا سازی خودش از لحاظ عاطفی و فیزیکی از خانواده اصلی، همچنین توانایی رسیدن به رشد عاطفی و استقلال بدون از دست دادن ظرفیت ارتباط عاطفی با خانواده است. یک فرد زمانی تمایز نیافته است که نیازهای عاطفی و امنیت او را مجبور کند تا فردیت خود را برای به دست آوردن اطمینان به عشق و پذیرش دیگران از دست بدهد و یا آن را محدود کند (ویلی، ۱۹۹۱). بنابراین طبیعی است که میان عزت نفس که نگرش مطلوبی نسبت به خود وجود دارد و خودمتمایزسازی رابطه مستقیم و معنادار وجود داشته باشد. اما این که چرا بین عزت نفس و گسلش عاطفی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد می‌توان گفت که هرچه فرد دارای عزت نفس کمتری باشد، از اینکه در ارتباط با دیگران عزت نفسش آسیب ببیند هراس دارد لذا ممکن است از دیگران دوری کند. افرادی هم که گسل عاطفی دارند خودشان را همانند احساسات‌شان از دیگران مجزا می‌کنند. در حالی که افراد با سطح تمایز یافتگی بالا، احساس نیاز به جدایی از نظر عاطفی را ندارند. (پاپکو، ۲۰۰۴). افرادی که از نظر عاطفی جدا می‌شوند، بطور عمیقی صمیمیت را تهدیدآمیز می‌یابند و بنابراین اغلب تمایل دارند تا خودشان را از دیگران و از عواطف جدا کنند (پاپکو، ۲۰۰۲).

1. Levinger, M & Ronen, T.

2. Differentiation of self

منابع

- اسکیان، پرستو. (۱۳۸۴). بررسی سایکو درام بر افزایش تمایز یافتگی فرد از خانواده اصلی در دانش آموزان دختر دبیرستان منطقه ی ۵ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم
- باقرپور کماچالی، ص؛ بهرامی احسان، ه؛ فتحی آشتیانی، ع؛ احمدی، خ؛ احمدی، ع. (۱۳۸۵). مقایسه الگوهای فرزندپروری در بین خانواده های نظامی و غیرنظامی. مجله طب نظامی، شماره ۸
- براندن، ناتانیل. روانشناسی عزت. ترجمه: مهدی قراچه داغی. (۱۳۷۹). تهران: نشر نخستین
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۱). بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
- تگریان، زینب. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک های شناختی یادگیری و خودکارآمدی و عزت نفس دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه. دانشگاه علامه طباطبایی
- تمنایی فر، م؛ صدیقی ارفعی، ف؛ سلامی محمدآبادی، ف. (۱۳۸۹). رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی. فصلنامه راهبردهای آموزش. شماره ۳
- حسینیان آقاملکی، محمد. (۱۳۷۶). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و عزت نفس دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی
- زارعی، اقبال. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر براساس مقیاس کلونینگر. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. شماره ۳
- شکرکن، ح؛ پولادی، م؛ حقیقی، ج. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مهم افت تحصیلی در دبیرستان های پسرانه شهرستان اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی. شماره ۴ و ۳

عزیزی، شهریار. (۱۳۸۴). بررسی الگوهای تعاملی خودکارآمدی عمومی، خودکارآمدی

اینترنتی و نوع شخصیت. پیام مدیریت، شماره ۱۳ و ۱۴

کردنوقایی، رسول (۱۳۷۸). رابطه‌ی بین سبک‌های شناختی وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه

دانش‌آموزان و شیوه‌های تربیتی مورد استفاده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه

علامه طباطبایی

گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۷۵)، جامعه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات شیفته

محسنیان، م؛ کرملو، س؛ گنجوی، آ. (۱۳۸۶). رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در

متقاضیان طلاق. خانواده پژوهی. شماره ۱۲

ملک مکان، مراد (۱۳۷۸). نگرش مادر نسبت به شیوه‌های فرزند پروری بایادگیری خود

تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی آباءه درسال

تحصیلی ۷۶-۷۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت معلم.

مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. علوم تربیتی

وروشناسی. شماره ۱ و ۲

مهرافروز، حجت‌الله (۱۳۷۸). بررسی رابطه‌ی بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزند پروری

مادر (اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری) با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی

در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت

معلم.

ویسی، ناصر (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش

آموزان پسر پایه دوم و سوم مقطع ابتدایی شهر کامیاران درسال تحصیلی ۸۳-۸۲.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

هرگنجان، بی‌آروالسون، اچ: نظریه‌های یادگیری، ترجمه: علیاکبرسیف، (۱۳۸۴). تهران:

نشر دوران

یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). هنجار یابی آزمون خود متمایز سازی (DSI-R) در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Bandura, A. (1997). *Self – Efficacy :the exercise of control*:<http://www.emory.edu/EDUCATION/Mfp/bgguide.html>.
- Branden, N. (1994). *Working with self esteem in Psychology* : <http://nathanie/branden.net/psy04b.html>.
- Bandura, A. (1977). *Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change*. *Psychological Review*, 84(2), 191–215
- Bandura, A., (1986). *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Baumrind, D. (1991). *Current patterns of parental authority*. *Developmental psychology Monographs*, 4, 1-101
- Baumrind, D. (1991). *The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56–95.
- Bandura, A. (1997). *Self – Efficacy: the Exercise of Control*. New York: Freeman.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York, USA: J. Aronson.
- Covinton, M. (1989). *self esteem and Failure in school . The social Impotence of self esteem*. U.C. Press, Berkeley, CA.
- Elizabeth, A.S. & Stephen, R.W. & Razia Azen. (2004). *Differentiation of self Mediates collage stress and adjustment . Journal of Counseling* .vol 82
- Holly, w. (1987). *Self Esteem : Does it Contribute to students academic*
- Johnson, P.S. (1977) *School failure , school attitudes and the self concept in Delinquents .Doctoral Dissertation Walden University , Arlington , VA.*
- Lamborn, S.D. and et.al. (1991). *Patterns of competence and adjustment amongadolessensfroMauthoritive and authoritarian and neglectful Families*. *Adolesnt psychiatry*. Chin Ritionlin
- Mckenzie, J.K. (1999). *Correlation between Self efficacy & self esteem in students , the graduate college university of Wisconsin*, December 1999
- Pajares, F. (2002). *Gender and perceived Self efficacy in self regulated learning .Theory in to practice*, spring 2002, vol .47 .
- Wilie, M. S. (1991). *Family therapy’s neglected prophet: A profile of Murray Bowen*. In *The Evolving Therapist* (pp. 221–229). New York: Guilford.